

بسم الله الرحمن الرحيم

«تدبر روشمند در حدیث»

نشر حداکثری و همراه با تدبر حدیث، راهبردی است که اهل بیت برای رفع نیاز شیعیان در هنگام عدم دسترسی به معصوم در زمان حضور یا غیبت طراحی کرده اند. راهبردهایی که امروزه به دلیل کثرت نظرات به طور کامل یا از برخی جهات مورد غفلت واقع می شوند در حالیکه هر بخش از این راهبردها رشدی جامع ایجاد کرده و مانع بسیاری از افراط و تفریطهای بشری خواهد شد. به طور نمونه اگر کتاب فضل العلم کافی را بخوانید راهبرد آموزشی اهل بیت ع را کشف خواهید کرد که چه عناصر و مقوماتی به عنوان یک نظام آموزشی بر آن حاکم است. ترغیب به دریافت حداکثری؛ برتری بخشیدن به عالم عامل بر هفتاد هزار عابد، رعایت حق عالم از راهبردهای آموزشی اهل بیت ع است. با این عملکرد ائمه اطهار ع یک گروه از شیعه را تربیت کرده اند که هم می توانند آفات را از جامعه شیعه بزدایند و هم آفت شناسی کنند و هم حافظ دین در جامعه اسلامی باشند و هم شاگرد پروری کنند. به طوری که تمام فرهنگهای دیگر در دامن این راهبرد آموزشی به دست می آیند.

ضرورت فقه الحدیث در حوزه

طلاب حوزه علمیه در مسیر اجتهاد خود در کنار ادبیات و فقه و اصول نیاز به علوم دیگری از جمله رجال و حدیث و تفسیر دارند. جداسازی این علوم و تشکیل رشته های تخصصی با وجود فوائد بسیار، دربردارنده آفتی است که به نوعی سکولار علمی را پدید می آورد و متأسفانه کسانی که به یکی از رشته های تخصصی می روند کمتر به ادامه مسیر فقه و اجتهاد خود بر میگردند. در میان این علوم، حدیث به عنوان یکی از دو ثقل ماندگار نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، جایگاه ممتازی داشته و ضروری است تا از جنبه های مختلف از این میراث گرانبها بهره برداری شود. طرحهای مختلفی از اساتید رشته حدیث برای حدیث خوانی پیشنهاد شده است. عمده این طرحها با نگاهی متفاوت با ضرورتهای اجتهاد بوده و هدف اصلی آنها آشنایی طلاب با نگاشته های حدیثی می باشد. سلسله دروس ارائه شده تحت عنوان «تدبر در حدیث به صورت روشمند» حاصل تطبیق روشهای فقه الحدیثی بر متن روایی الکافی شریف است. شیخ صدوق در بیان جایگاه فقه الحدیث در شکل گیری شخصیت ایمانی فرد، به طریق خویش از امام صادق علیه السلام آورده است:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع يَا بُنَيَّ اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَإَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالْإِدْرَإَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَفْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ^۱»

کما اینکه اهل بیت، شرط فقاقت فقیه را درایت روایات و کشف دلالت‌های پنهان و معاریض روایات دانسته اند؛ معانی الاخبار؛ ص ۲: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرَوِيهِ وَ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَفِيهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا.

چینش و ترتیب ارائه مباحث

بیان ساختاری که در کتاب آقای کلینی از زبان دکتر هادی حجت آمده است که اصول و فروع و روضه است و این تقسیم بندی مربوط به کاری است که در قرن یازدهم هجری در زمان امین استر آبادی انجام شده است چندان معلوم نیست بر کار آقای کلینی منطبق باشد. بررسی نشان از آن دارد که در الکافی طبقه بندی مفهومی اعم از تشقیق شقوق و اناطه مفاهیم بر همدیگر و اشرفیت برخی بر برخی دیگر ملاک دسته بندی موضوعات اعم از کتابهای الکافی و ابواب هر کتاب است. اما در صوتهای ارائه شده به جهت رعایت ملاحظات آموزشی، و میزان آمادگی مخاطب در فهم موضوعات از کتاب فضل علم شروع شده است و مباحث اخلاقی و تربیتی در ادامه آمده است و تا حد امکان سعی بر آن بوده تا چینش و ترتیب مورد نظر مرحوم کلینی ره معیار کار قرار گیرد. چینش ابواب هر کتاب خود بخشی از فقه الحدیث بسیار عمیق آقای کلینی است مثلاً در کتاب فضل علم، ابتدا وجوب علم را می آورد و بعد فضل علم و صفت علماء زیرا وجوب علم بر فضل علم مقدم است همین مساله در فروع بسیار دقیقتر شده است و می توان ناظر به چنین ترتیبی تحلیلهای فقه الحدیثی عمیق انجام داد

نکته: ارائه مباحث در صوتهای ۲۰ تا ۲۵ دقیقه ای به صورتی است که مطالعه قبلی بسیار در تسلط بر مباحث موثر است. از آنجا که پشوانه بسیاری از نکات ارائه شده مطالعات علمی خصوصاً لغت بوده در جلسه اول در دو جلسه ضبط شده و یک بار به صورت دقیق و یک بار با روش سایر جلسات است تا نشان داده شود که هر جلسه به دو صورت قابل برنامه ریزی است. سایر توضیحات لازم در صوت اول راجع به شیوه کار آمده است.

۱. معانی الاخبار؛ النص؛ ص ۱

غالباً متن روایات ارسالی در بسته هایی مشتمل بر ۶ باب از کتاب الکافی میباشد. که در ابتدای هر بسته نکات مهمی که در آن ابواب مورد توجه است ذکر شده است.

نکات مهم مورد نظر در شش باب اول: از آنجا که هر شش جلسه سعی بر آن است تا نکاتی جدید از حیث روشی گفته می شود تا طلبه به صورت کارگاهی آرام آرام و در ضمن محتوای حدیث با روشها آشنا شود تا آسیب روش زدگی را که از فهم و غور در خود احادیث به صورت جهل مرکب انسان را بی نیاز وانمود می کند مصون بماند، در شش باب اول دو نکته کلیدی مورد نظر بوده است:

- دو روش مهم در شروع کار مورد نظر است: اول این که روایات به صورت مجموعه ای نگاه شود و جمع بندی ها توجه شود و نکته دیگر اینکه برای فهم مفردات هر روایت به منابع لغت مراجعه گردد نگاه شود.

- در پیش مطالعه به جای نگاه به ترجمه (که اگر لازم شد ترجمه مصطفوی و بهتر از آن ترجمه انصاریان مراجعه شود) متن روایات مرور شود و با آمادگی اولیه هر چند محدود و مبهم تمرکز در ارتباط گیری با متن باشد. اثر این ارتباط مستقیم (و بدون ترجمه) با متن، سرعت انس با حدیث در چند ماه اول خواهد بود.

متن روایات

الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۳۰

کتاب فضل العلم

بسم الله الرحمن الرحيم*.

باب فرض العلم و وجوب طلبه و الحث علیه

۱- أخبرنا محمد بن يعقوب عن علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه عن الحسن بن أبي الحسين الفارسی عن عبد الرحمن بن زيد عن أبيه عن أبي عبد الله ع قال قال رسول الله ص طلب العلم فريضة على كل مسلم ألا إن الله يحب بغاء العلم «۱».

۲- محمد بن يحيى عن محمد بن الحسين عن محمد بن عبد الله عن عيسى بن عبد الله العمري عن أبي عبد الله ع قال: طلب العلم فريضة.

٣- على بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس بن عبد الرحمن عن بعض أصحابه قال: سئل أبو الحسن ع هل يسع الناس ترك المسألة عما يحتاجون إليه فقال لا.

٤- على بن محمد و غيره عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى جميعا عن ابن محبوب عن هشام بن سالم عن أبي حمزة عن أبي إسحاق السبيعي عن حدثه قال سمعت أمير المؤمنين يقول أيها الناس اعلّموا أن كمال الدين طلب العلم و العمل به ألا و إن طلب العلم أوجب عليكم من طلب المال إن المال مقسوم مضمون لكم قد قسمه عادل بينكم و ضمنه و سيفى لكم و العلم مخزون عند أهله و قد أمرتم بطلبه من أهله «٢» فاطلبوه.

٥- عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد البرقي عن يعقوب بن يزيد عن أبي عبد الله رجل من أصحابنا رفعه قال قال أبو عبد الله ع قال رسول الله ص طلب العلم فريضة و فى حديث آخر قال قال أبو عبد الله ع قال رسول الله ص طلب العلم فريضة على كل مسلم ألا و إن الله يحب بغاة العلم.

(١) أى طلابه، جمع باغ كهداة جمع هاد. (آت)

(٢) يعنى: الأنبياء و الأئمة عليهم السلام و العلماء الذين أخذوا منهم. (آت)

الكافى (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ٣١

٦- على بن محمد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن خالد عن عثمان بن عيسى عن على بن أبي حمزة قال سمعت أبا عبد الله ع يقول تفقهوا فى الدين فإنه من لم يتفقه منكم فى الدين فهو أعرابى «١» إن الله يقول فى كتابه- ليتفقهوا فى الدين و لينذروا قومهم إذا رجعوا إليهم لعلهم يحذرون «٢».

٧- الحسين بن محمد عن جعفر بن محمد عن القاسم بن الربيع عن مفضل بن عمر قال سمعت أبا عبد الله ع يقول عليكم بالتفقه فى دين الله و لا تكونوا أعرابا «٣» فإنه من لم يتفقه فى دين الله لم ينظر الله إليه يوم القيامة «٤» و لم يزك له عملا.

٨- محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان عن ابن أبى عمير عن جميل بن دراج عن أبان بن تغلب عن أبى عبد الله ع قال: لوددت أن أصحابى ضربت رءوسهم بالسياط «٥» حتى يتفقهوا.

٩- **علي بن محمد عن سهل بن زياد عن محمد بن عيسى عن رواه عن أبي عبد الله ع قال له**
رجل جعلت فداك رجل عرف هذا الأمر لزم بيته و لم يتعرف إلى أحد من إخوانه قال فقال كيف يتفقه
هذا في دينه.

(١) الاعرابى منسوب الى الاعراب و لا واحد له و المراد الذين يسكنون البادية و لا يتعلمون الاحكام
الشرعية. (لح)

(٢) التوبة: ١٢٢.

(٣) أى لا تكونوا كالاعراب جاهلين بالدين، غافلين عن أحكامه، معرضين عن تعلمها. (لح)

(٤) كناية عن سخطه و غضبه عليه. و عدم الاعتداد به و سلب رحمته و فيضه و احسانه و إكرامه عنه،
و حرمانه عن مقام القرب. (لح)

(٥) جمع سوط و هو ما يجلد به.

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ٣٢

باب صفة العلم و فضله و فضل العلماء

١- **محمد بن الحسن و علي بن محمد عن سهل بن زياد عن محمد بن عيسى عن عبيد الله بن عبد الله**
الدهقان عن درست «١» الواسطى عن إبراهيم بن عبد الحميد عن أبي الحسن موسى ع قال: دخل رسول
الله ص المسجد فإذا جماعة قد أطافوا برجل فقال ما هذا ف قيل علامة فقال و ما العلامة فقالوا له أعلم
الناس بأنساب العرب و وقائعها و أيام الجاهلية و الأشعار العربية قال فقال النبي ص ذاك علم لا يضر
من جهله و لا ينفع من علمه ثم قال النبي ص إنما العلم ثلاثة آية محكمة أو فريضة عادلة أو سنة قائمة
و ما خلاهن فهو فضل «٢».

٢- **محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن خالد عن أبي البختري عن أبي عبد الله**
ع قال: إن العلماء ورثة الأنبياء و ذاك أن الأنبياء لم يورثوا درهما و لا دينارا و إنما أورثوا أحاديث من
أحاديثهم فمن أخذ بشيء منها فقد أخذ حظا وافرا فانظروا علمكم هذا عمن تأخذونه فإن فينا أهل
البيت في كل خلف عدولا ينفون عنه تحريف الغالين و انتحال المبطلين و تأويل الجاهلين.

٣- الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن على الوشاء عن حماد بن عثمان عن أبى عبد الله ع قال: إذا أراد الله بعبد خيرا فقهه فى الدين.

٤- محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان «٣» عن حماد بن عيسى عن ربيع بن عبد الله عن رجل عن أبى جعفر ع قال قال: الكمال كل الكمال التفقه فى الدين و الصبر على النائبة «٤» و تقدير المعيشة.

(١) بضم الدال و الراء المهملتين و سكون السين المهملة و التاء و قيل بفتح الدال و الراء.

(٢) فالعلم فى نظر الشارع الاقدس حيث يذكر العلم و يقول: طلب العلم فريضة على كل مسلم هو العلم باحدى هذه الثلاثة اما معرفة آية محكمة من القرآن ترشده، أو معرفة فريضة من فرائض القرآن و هى الاحكام التى لا مندوحة عن معرفتها و العمل بها، أو سنة صالحة قائمة على اصولها (كالسنن النبوية) يكون العمل بها سببا لتزكية المرء و أدبه فى الدين و الدنيا و أما باقى المعارف فانما هو فضل و صاحبه فى الشرع فاضل لا عالم.

(٣) و يأتى فى ج ٥ ص ٨٧ و فيه: عن ابن أبى عمير، عن ربيع.

(٤) النائبة: الحادثة. و تقدير المعيشة ترك الإسراف.

الكافى (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ٣٣

٥- محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن سنان عن إسماعيل بن جابر عن أبى عبد الله ع قال: العلماء أمناء و الأتقياء حصون و الأوصياء سادة و فى رواية أخرى العلماء منار و الأتقياء حصون و الأوصياء سادة.

٦- أحمد بن إدريس عن محمد بن حسان عن إدريس بن الحسن عن أبى إسحاق الكندى عن بشير الدهان قال قال أبو عبد الله ع لا خير فيمن لا يتفقه من أصحابنا يا بشير إن الرجل منهم إذا لم يستغن بفقهه احتاج إليهم «١» فإذا احتاج إليهم أدخلوه فى باب ضلالتهم و هو لا يعلم.

٧- على بن محمد عن سهل بن زياد عن النوفلى عن السكونى عن أبى عبد الله ع عن آبائه قال قال رسول الله ص لا خير فى العيش إلا لرجلين عالم مطاع أو مستمع واع.

٨- علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن ابن أبي عمير عن سيف بن عميرة عن أبي حمزة عن أبي جعفر قال: عالم ينتفع بعلمه أفضل من سبعين ألف عابد.

٩- الحسين بن محمد عن أحمد بن إسحاق عن سعدان بن مسلم عن معاوية بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله ع رجل راوية لحديثكم يبث ذلك في الناس و يشدده في قلوبهم و قلوب شيعتكم و لعل عابدا من شيعتكم ليست له هذه الرواية أيهما أفضل قال الراوية لحديثنا يشد به قلوب شيعتنا أفضل من ألف عابد.

باب أصناف الناس

١- علي بن محمد عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى جميعا عن ابن محبوب عن أبي أسامة عن هشام بن سالم عن أبي حمزة عن أبي إسحاق السبيعي عن حدثه ممن يوثق به قال سمعت أمير المؤمنين ع يقول إن الناس آلوا «٢» - بعد رسول الله ص إلى ثلاثة آلوا إلى عالم على هدى من الله قد أغناه الله بما علم عن علم غيره و جاهل مدع للعلم لا علم له معجب بما عنده قد فتنه الدنيا و فتن غيره و متعلم من عالم على سبيل هدى من الله و نجاه ثم هلك من ادعى و **خاب من افتري**.

(١) أى إلى المخالفين.

(٢) آلوا: أى رجعوا.

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ٣٤

٢- الحسين بن محمد الأشعري عن معلى بن محمد عن الحسن بن علي الوشاء عن أحمد بن عائذ عن أبي خديجة سالم بن مكرم عن أبي عبد الله ع قال: الناس ثلاثة عالم و متعلم و غثاء «١».

٣- محمد بن يحيى عن عبد الله بن محمد عن علي بن الحكم عن العلاء بن رزين عن محمد بن مسلم عن أبي حمزة الثمالي «٢» قال قال لى أبو عبد الله ع اغد عالما أو متعلما أو أحب أهل العلم و لا تكن رابعا فتهلك ببغضهم.

٤- على بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن جميل عن أبي عبد الله ع قال سمعته يقول يغدو الناس على ثلاثة أصناف عالم و متعلم و غثاء فنحن العلماء و شيعتنا المتعلمون و سائر الناس غثاء.

باب ثواب العالم و المتعلم

١- محمد بن الحسن و على بن محمد عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد جميعا عن جعفر بن محمد الأشعري عن عبد الله بن ميمون القداح و على بن إبراهيم عن أبيه عن حماد بن عيسى عن القداح عن أبي عبد الله ع قال قال رسول الله ص من سلك طريقا يطلب فيه علما سلك الله به «٣» طريقا إلى الجنة و إن الملائكة لتضع أجنحتها لطالب العلم رضا به «٤» و إنه يستغفر لطالب العلم من فى السماء و من فى الأرض حتى الحوت فى البحر و فضل العالم على العابد كفضل القمر على سائر النجوم ليلة البدر و إن العلماء ورثة الأنبياء إن الأنبياء لم يورثوا دينارا و لا درهما و لكن وراثتهم العلم فمن أخذ منه أخذ بحظ وافر.

(١) غثاء: بضم الغين المعجمة و الثاء المثناة و المد، ما يحمله السيل من الزبد و الوسخ و غيره.

(٢) بضم المثناة، هو ثابت بن دينار، الثقة الجليل صاحب التفسير و راوى الدعاء المعروف فى أسفار شهر رمضان كان من زهاد أهل الكوفة و مشايخها و كان عربيا أزديا، خدم على بن الحسين و محمد بن على و جعفر بن محمد عليهم السلام

(٣) الباء للتعدية أى أسلكه الله فى طريق موصل الى الجنة. (آت)

(٤) رضا به: مفعول لاجله و يحتمل أن يكون حالا بتأويل: أى راضين غير مكرهين. (آت)

الكافى (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ٣٥

٢- محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن جميل بن صالح عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر ع قال: إن الذى يعلم العلم منكم له أجر مثل أجر المتعلم و له الفضل عليه فتعلموا العلم من حملة العلم و علموه إخوانكم كما علمكموه العلماء.

٣- على بن إبراهيم عن أحمد بن محمد البرقي عن علي بن الحكم عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير قال سمعت أبا عبد الله ع يقول من علم خيرا فله مثل أجر من عمل به قلت فإن علمه غيره «١» يجرى ذلك له قال إن علمه الناس كلهم جرى له قلت فإن مات قال وإن مات.

٤- وبهذا الإسناد عن محمد بن عبد الحميد عن العلاء بن رزين عن أبي عبيدة الحذاء «٢» عن أبي جعفر ع قال: من علم باب هدى فله مثل أجر من عمل به و لا ينقص أولئك من أجورهم شيئا و من علم باب ضلال كان عليه مثل أوزار من عمل به و لا ينقص أولئك من أوزارهم شيئا.

٥- الحسين بن محمد عن علي بن محمد بن سعد رفعه عن أبي حمزة عن علي بن الحسين ع قال: لو يعلم الناس ما فى طلب العلم لطلبوه و لو بسفك المهج «٣» و خوض اللجج «٤» إن الله تبارك و تعالى أوحى إلى دانيال أن أمقت عبيدى إلى الجاهل المستخف بحق أهل العلم التارك للاقتداء بهم و أن أحب عبيدى إلى التقى الطالب للثواب الجزيل اللازم للعلماء التابع للحلماء القابل عن الحكماء.

٦- على بن إبراهيم عن أبيه عن القاسم بن محمد عن سليمان بن داود المنقرى «٥» عن حفص بن غياث قال قال لى أبو عبد الله ع من تعلم العلم و عمل به و علم الله دعى فى ملكوت السماوات عظيما فليل تعلم الله و عمل الله و علم الله.

(١) أى علمه المتعلم ثالثا و قوله: يجرى ذلك له أى أ يجرى للاول أجر تعليم الثانى كما يجرى له أجر عمله؟ قال: إن علمه الناس كلهم يعنى و لو بوسائط، و قوله عليه السلام: «و إن مات» أى ذلك المعلم.

(٢) بالشد و المد هو زياد بن عيسى، كوفى ثقة روى عن أبى جعفر و أبى عبد الله عليهما السلام و مات فى حياة الصادق عليه السلام. بالمدينة رحمة الله عليه.

(٣) جمع مهجة و هى الدم او دم القلب خاصة أى بما يتضمن اراقه دماهم.

(٤) جمع لجة و هى معظم الماء.

(٥) بكسر الميم و سكون النون و فتح القاف و زان منبر.

باب صفة العلماء

١- محمد بن يحيى العطار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عن معاوية بن وهب قال سمعت أبا عبد الله ع يقول اطلبوا العلم و تزينوا معه بالحلم و الوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لا تكونوا علماء جبارين فيذهب باطلكم بحقكم.

٢- علي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن حماد بن عثمان عن الحارث بن المغيرة النصري عن أبي عبد الله ع في قول الله عز و جل - إنما يخشى الله من عباده العلماء (١) قال يعنى بالعلماء من صدق فعله قوله و من لم يصدق فعله قوله فليس بعالم.

٣- عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد البرقي عن إسماعيل بن مهران عن أبي سعيد القمط عن الحلبي عن أبي عبد الله ع قال قال أمير المؤمنين ع أ لا أخبركم بالفقيه حق الفقيه من لم يقنط الناس من رحمة الله و لم يؤمنهم من عذاب الله و لم يرخص لهم في معاصي الله و لم يترك القرآن رغبة عنه إلى غيره ألا لا خير في علم ليس فيه تفهم ألا لا خير في قراءة ليس فيها تدبر ألا لا خير في عبادة ليس فيها تفكر و في رواية أخرى ألا لا خير في علم ليس فيه تفهم ألا لا خير في قراءة ليس فيها تدبر ألا لا خير في عبادة لا فقه فيها ألا لا خير في نسك لا ورع فيه.

٤- محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى و محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان النيسابوري جميعا عن صفوان بن يحيى عن أبي الحسن الرضا ع قال: إن من علامات الفقه (٢) الحلم و الصمت.

٥- أحمد بن عبد الله عن أحمد بن محمد البرقي عن بعض أصحابه رفعه قال قال أمير المؤمنين ع لا يكون السفه و الغرّة في قلب العالم (٣).

(١) الفاطر: ٢٨.

(٢) في بعض النسخ: [الفقيه].

(٣) الغرّة بكسر الغين المعجمة: الغفلة. و في بعض النسخ بالمهملة و الزاى المعجمة و هى التكبر.

٦- و بهذا الإسناد عن محمد بن خالد عن محمد بن سنان رفعه قال: قال عيسى ابن مريم ع يا معشر الحواريين لى إليكم حاجة اقضوها لى قالوا قضيت حاجتك يا روح الله فقام فغسل أقدامهم «١» فقالوا كنا نحن أحق بهذا يا روح الله فقال إن أحق الناس بالخدمة العالم إنما تواضعت هكذا لكيما تتواضعوا بعدى فى الناس كتواضعى لكم ثم قال عيسى ع بالتواضع تعمر الحكمة لا بالتكبر و كذلك فى السهل ينبت الزرع لا فى الجبل.

٧- على بن إبراهيم عن أبيه عن على بن معبد عن ذكره عن معاوية بن وهب عن أبي عبد الله ع قال كان أمير المؤمنين ع يقول يا طالب العلم إن للعالم ثلاث علامات العلم و الحلم و الصمت و للمتكلف ثلاث علامات ينازع من فوقه بالمعصية و يظلم من دونه بالغلبة و يظهر «٢» الظلمة.

باب حق العالم

١- على بن محمد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عن محمد بن خالد عن سليمان بن جعفر الجعفرى عن ذكره عن أبي عبد الله ع قال كان أمير المؤمنين ع يقول إن من حق العالم أن لا تكثر عليه السؤال و لا تأخذ بثوبه و إذا دخلت عليه و عنده قوم فسلم عليهم جميعا و خصه بالتحية دونهم و اجلس بين يديه و لا تجلس خلفه و لا تغمز بعينك و لا تشر بيدك «٣» و لا تكثر من القول قال فلان و قال فلان خلافا لقوله و لا تضجر بطول صحبته فإنما مثل العالم مثل النخلة تنتظرها حتى يسقط عليك منها شئ و العالم أعظم أجرا من الصائم القائم الغازى فى سبيل الله.

(٢) يظهر الظلمة: أى يعاونهم فى الظلم.

(٣) لعل المراد بالجلوس بين يديه جلوسه بحيث لا يحوجه إلى الالتفات حين الخطاب و بالخلف ما يقابله. و الغمز بالعين الإشارة بها و حذف المفعول لعله للتعميم أى سواء تغمز و تشير إليه أو إلى غيره فى حضوره لان ذلك ينافى التعظيم و الحرمة (فى)